



تقریرات درس خارج فقه

حضرت آیت الله سیّد محمد رضا مدرّسی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱

جلسه‌ی دوم؛ یکشنبه ۱۳۹۱/۶/۲۶

کلام علامه رحمته در منتهی المطلب

علامه رحمته در منتهی المطلب که مفصل‌ترین کتاب فقهی علامه می‌باشد - ولی متأسفانه تکمیل نشده -

می‌فرماید:

مسألة: إذا حمل محرماً فطاف به و نوى كل واحد منهما الطواف، أجزأ
عنهما و به قال أبو حنيفة، و للشافعي قولان: أحدهما: أنه يجزئ عن المحمول. و
الثاني: أنه يجزئ عن الحامل دون المحمول.^۱

هرگاه محرمی محرم دیگری را حمل کرده و طواف دهد و هر دو قصد طواف کنند، برای
هر دو مجزی است، ابوحنیفه نیز نظرش این‌چنین است، اما شافعی دو قول دارد، یک جا گفته
مجزی از محمول است و در جای دیگر گفته فقط مجزی از حامل است، نه محمول.

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید علامه در این‌جا بدون تفصیل می‌فرماید طواف مجزی از هر دوی آن‌ها
(حامل و محمول) است، بر خلاف مختلف که در آن‌جا ابتدا در مورد نظر ابن جنید فرمودند «و نعم ما قال»
و در نهایت فرمودند اگر کسی اجیر شود در طواف خودش دیگری را طواف دهد مجزی از هر دو است و
اگر اجیر شود دیگری را حمل کند (مطلقاً) مجزی از حامل نیست، ولی در این‌جا به نحو مطلق می‌فرماید
مجزی از هر دو است و بر آن استدلال کرده می‌فرماید:

۱. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج ۱۰، ص ۳۸۷.

لنا: أن الحامل قد حصل منه الطواف و المحمول أيضا قد حصل طائفا حول البيت
فيجزئه و كونه على ظهر غيره لا يمنع صحه طوافه، كما لو طاف راكبا.

به نظر ما برای حامل که طواف حاصل شده و برای محمول نیز طواف دور کعبه حاصل
شده است و این که محمول بر پشت دیگری است مانع صحت طوافش نیست، همان طور که اگر
راکباً طواف می کرد مانعی نداشت.

علامه در این جا طواف راکباً را مجزی می داند و می فرماید: «و یوید ذلك ...» یعنی ایشان مجزی بودن
طواف راکباً را طبق قاعده می داند و روایات خاصه هم به عنوان تأیید آن است.

و يؤيد ذلك: ما رواه الشيخ في الصحيح عن [سعد بن عبدالله عن ابي جعفر عن
الحسين بن سعيد عن محمد بن ابي عمير عن] حفص بن البختري، عن ابي عبد الله عليه السلام
في المرأة تطوف بالصبي و تسعى به، هل يجزئ ذلك عنها و عن الصبي؟ فقال: نعم.
حفص بن البختري نقل می کند که از امام صادق عليه السلام درباره ی زنی سؤال شد که بچه را
طواف و سعی می دهد، آیا برای خود زن و برای بچه مجزی است؟ فرمودند: بله.

کلام حضرت که فرمودند مجزی است، اطلاق دارد؛ یعنی چه زن برای طواف و سعی اجیر شده باشد و
چه اجیر نشده باشد و حتی شامل صورتی که صبی نمی تواند خودش نیت کند و زن باید از قبل او نیت کند
نیز می شود؛ یعنی زن هم برای خود نیت کند و هم برای طفل.

و [سعد بن عبدالله عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن جعفر بن بشير] عن
الهيثم بن عروة التميمي، عن ابي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: إنني حملت امرأتی ثم طفت
بها و كانت مريضة و قلت له: إنني طفت بها بالبيت في طواف الفريضة و بالصفاء و
المروءة و احتسبت بذلك لنفسی، فهل يجزئني؟ فقال: نعم.

هیثم بن عروءه التمیمی می گوید به امام صادق عليه السلام عرض کردم: من همسرم را در حالی که
مریض بود حمل کرده، طواف دادم و عرض کردم: همسرم را برای طواف واجب و سعی بین
صفا و مروءه حمل کردم و همان را برای خودم نیز نیت کردم، آیا برای من مجزی است؟
فرمودند: بله.

مرحوم علامه سپس استدلالی از شافعی نقل می کند که این چنین است:

۱. همان طور که می دانید طفل کوچک را هم می توان مُحْرِم کرد و از قبل او نیت کرد.

احتجّ الشافعيّ: بأنّه فعل واحد فإذا وقع عن الفاعل للطواف - أَعْنَى الحامل - لم يقع عن المحمول؛ لأنّ الفعل الواحد لا يقع عن اثنين.

طواف یک فعل است، پس هرگاه برای کسی که فاعل طواف (حامل) است واقع شود، دیگر برای محمول واقع نخواهد شد؛ چون یک فعل برای دو نفر واقع نمی‌شود.

بررسی استدلال‌های مسأله

در بین صوری که برای مسأله فرض شده بود - که اطافه تبرعاً باشد یا بالجعله و یا بالاجاره و اجاره هم خود صور مختلفی داشت - مشکل‌ترین صورت در نگاه اعلام را بررسی می‌کنیم که اگر استدلال‌های ذکر شده بر بطلان طواف حامل ناتمام باشد، حکم بقیه‌ی صور نیز روشن خواهد بود.

مشکل‌ترین صورت این بود که کسی اجیر شود دیگری را طواف دهد مطلقاً. در این صورت بعضی گفته بودند فقط برای محمول واقع می‌شود و بالطبع بر طبق استدلال شافعی نیز فقط برای حامل واقع می‌شود.

بررسی استدلال علامه رحمته الله

علامه رحمته الله در استدلال برای کلام ابن جنید فرمودند: «أنّه يجب عليه السعي في غير الطواف، فلا يجوز صرفه إليه»^۱

اگر مراد علامه از این کلام را به همان کلام شهید ثانی برنگردانیم و بگوییم مراد ایشان آن است که بعد از عقد اجاره بر حامل واجب می‌شود سعی در غیر طواف خویش کند، نتیجه‌اش این می‌شود که اگر در آن طواف، برای طواف خودش تلاش کند، وظیفه‌ی شرعی‌اش را انجام نداده، بنابراین طوافش باطل است؛ زیرا تلاشش در غیر آن چه که واجب بوده، صرف کرده است.

ولی این استدلال ناتمام است؛ زیرا خدمت علامه می‌گوییم به چه دلیل عقد اجاره اقتضاء می‌کند واجب است مستأجر در غیر طواف خودش تلاش کند. آن چه عقد اجاره به مقتضای آیه‌ی شریفه‌ی «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۲ اقتضاء می‌کند، این است که باید در طواف آن کسی که اجاره برای او منعقد شده تلاش کند، اما

۱. مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۴، ص ۱۸۵.

۲. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۱: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُجَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ

يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ»

این که نباید در غیر آن سعی کند و سعی در غیر طواف خود واجب می‌شود، دلیلی بر آن وجود ندارد. پس این استدلال ناتمام است.

بررسی استدلال شهید ثانی رحمته‌الله

شهید ثانی رحمته‌الله فرمودند: «لأن الحركة المخصوصة قد صارت مستحقة عليه لغيره، فلا يجوز صرفها الي

نفسه»^۱.

با عقد اجاره آن حرکت مخصوص برای طواف، مملوک و مستحق برای مستأجر می‌شود، بنابراین خود اجیر نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ چون تصرف در ملک و حق غیر جایز نیست.

بر این استدلال شهید ثانی دو اشکال وارد می‌شود:

اولاً: ظاهر آن است که در اجاره برای طواف، حمل مورد اجاره است؛ نه حرکت حامل. حمل یعنی حرکت دادن محمول هفت شوط از حجر الاسود به دور کعبه و این حمل غیر از حرکت حامل است و حرکت حامل مقدمه و منشأ حمل (حرکت محمول) است. بنابراین چون حرکت حامل مورد اجاره قرار نگرفته، مستحق للغير نیست و می‌تواند برای خود قصد کند.

ثانياً: فرضاً حرکت حامل مورد اجاره قرار گرفته باشد، حامل با صرف نیت طواف برای خود چه تصرفی در آن حرکت می‌کند؟! تصرف یک مفهوم عرفی است و باید یک نوع مزاحمت و محدودیتی برای صاحب مال ایجاد کند تا این مفهوم صدق کند، در حالی که در این جا حامل محدودیتی برای محمول ایجاد نمی‌کند و این نظیر آن است که کسی از نور چراغ دیگری بدون این که تصرفی در آن کند استفاده کند. پس همان‌طور که استفاده از نور آن چراغ مزاحمتی برای صاحب آن ندارد و در نتیجه عرفاً تصرف محسوب نمی‌شود، در این جا نیز چون اجیر با صرف نیت برای خود، هیچ‌گونه محدودیتی برای مستأجر ایجاد نمی‌کند و مستأجر منافع مستأجر علیه را تمام و کمال استیفاء می‌کند، پس اجیر با نیت خود هیچ تصرفی در مال غیر نمی‌کند تا مشمول نهی شود.

إن قلت: از آن جا که آن حرکت ملک دیگری است - هرچند با صرف نیت، تصرف در آن محسوب نمی‌شود - پس نمی‌تواند آن طواف برای محمول محسوب شود؛ زیرا عمل عبادی نباید ملک دیگری باشد و

۱. مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۱۷۷.

اگر آن حرکاتی که به عنوان عبادت انجام می‌دهد ملک دیگری باشد، دیگر آن عمل عبادت محسوب نمی‌شود.

قلت: این کلام که عمل عبادی نباید ملک دیگری باشد، ادعایی بی دلیل است، بلکه همین مقدار که عملی منسوب به فاعل باشد و علی وجه العبادة آن را اتیان کند، کفایت در عبادیت عمل می‌کند، گرچه آن فعل ملک دیگری باشد، البته مادامی که مستلزم تصرف در آن نباشد. به عنوان مثال به حسب روایات یکی از عبادات که نگاه به قرآن و نیز نگاه به چهره‌ی عالم است، اگر کسی با استفاده از نور دیگری - بدون تصرف در آن - نگاه به قرآن یا چهره‌ی عالم کند، برای او عبادت محسوب می‌شود، حتی اگر صاحب نور بگوید راضی نیستم از نور من استفاده کنی! و یا اگر قرآن مربوط به دیگری باشد و او بدون تصرف در آن و بدون ایجاد هیچ مزاحمتی به آن نگاه کند، این نگاه کردن نیز عبادت است.

بنابراین استدلال شهید ثانی رحمته الله نیز ناتمام است.

بررسی استدلال شافعی

استدلال شافعی که علامه آن را نقل کردند این‌چنین بود: «فإذا وقع عن الفاعل للطواف - أَعْنَى الحامل - لم يقع عن المحمول؛ لأنَّ الفعل الواحد» یعنی فعل واحد از جانب دو نفر واقع نمی‌شود.

در جواب می‌گوییم:

اولاً: همان‌طور که بیان کردیم حرکت طوافی حامل و حرکت طوافی محمول حقیقتاً دو فعل است و کاملاً از هم مجزاست، به این معنا که دارای دو هویت جدا و دو نیت جداگانه است. نیت و حرکت حامل با نیت و حرکت محمول جداست، نهایت این‌که حرکت محمول، معلول حرکت حامل است و این ضربه‌ای به تعدد آن نمی‌زند.

ثانیاً: دلیلی بر واقع نشدن فعل واحد از جانب دو نفر، در صورتی که حداقل دو حیثیت متمایز در آن فعل باشد وجود ندارد، بلکه دلیل عکس آن ثابت است؛ مثلاً در حج استحبابی، زیارت استحبابی و ... ادله بیان می‌کند هر کسی می‌تواند به نیابت هر تعداد افرادی که دوست دارد انجام دهد، در حالی که فعل واحد است و آن فعل واحد، هم برای خود نایب و هم برای منوب عنهم واقع می‌شود.

بنابراین عمل منسوب به دو نفر که در بعضی اجزاء و خصوصیات اتحاد دارد، دلیلی بر عدم اجزاء آن از

جانب دو نفر وجود ندارد. البته ممکن است در جایی بالخصوص دلیل وجود داشته باشد که مجزی نیست، اما دلیل عام و مطلق که دلالت کند هر عمل واحدی که منسوب به دو نفر است نمی تواند از هر دو نفر مجزی باشد، وجود ندارد.

تقریر: عبدالله امیرخانی

تحقیق: جواد احمدی